

بِسْمِ تَعَالَى

آراء وحدت رویه دیوان عالی کشور

در مورد

موقوفات و بقاع مبرکه

تهیه و تنظیم

دفتر حقوقی و ثبتی سازمان اوقاف و امور خیریه

فروردین ماه ۱۳۸۸ شمسی

فهرست:

آراء دیوان عالی کشور

تصرف به عنوان وقفیت

عدم قابلیت اثبات عقد وقف صرفاً با شهادت شهود

ادعای تصرف به عنوان مالکیت یا وقفیت نسبت به املاک واگذاری

اختلاف در مفهوم عبارت نسل بعد نسل در وقف، تولیت و وصایت

صلاحیت دادگاه مدنی خاص در رسیدگی به دعوی وقفیت

صلاحیت دادگاه مدنی خاص در دعوی مربوط به شرایط و اوصاف و تعیین متولی موقوفه

آراء صادره از اداره تحقیق اوقاف و امور خیریه کرمانشاه و صلاحیت رسیدگی به دعوا

دیوان عالی کشور

تصرف به عنوان وقفیت

رأی وحدت رویه شماره ۶۹۹ مورخ ۱۳۳۴/۴/۱۷

پس از قرائت رأی های صادره از شعبه ۶۰۴ و استماع توضیحات آقایان رئیسان و مستشاران شعبتین نامبرده و مذاکره و بحث در اطراف مسأله روشن شد که نسبت به اصل و اساس حکم قضیه اختلاف نظر و رویه بین دو شعبه نبوده است و هر دو شعبه در مسائل زیر متفق می باشد:

۱. به طوری که طبق ماده (۳۵) قانون مدنی تصرف به عنوان مالکیت دلیل مالکیت است تا خلافش ثابت شود تصرف به عنوان وقفیت نیز دلیل وقفیت است تا خلافش محرز شود.

۲. تصرف به عنوان وقف قابل اثبات یا شهادت شهود است.

۳. ید فعلی حاکم بر ید سابق است. یعنی تصرف فعلی به عنوان مالکیت را تصرف سابق وقف ولو ثابت شود از اعتبار ساقط نمی کند مگر در صورتی که ضمن اثبات تصرف سابق وقف محرز شود که منشأ تصرف فعلی مالکانه غصب و بدون مجوز قانونی عدواناً عین موقوفه از تصرف وقف انتزاع شده است و در این صورت تصرف وقف معتبر است تا خلافش ثابت شود. با توافق نظر در سه اصل فوق مجال و موردی برای اختلاف نظر شعبتین باقی نبوده است تا برای رفع آن و توحید رویه موضوع طرح و اخذ رأی عمومی به عمل آید.

عدم قابلیت اثبات عقد وقف صرفاً با شهادت شهود

آرای سال ۱۳۷۷

رای وحدت رویه شماره ۳۹۲۵ مورخ ۱۳۳۷/۱/۱۵

چون به موجب صریح ماده (۱۳۰۶) قانون مدنی عقد وقف صرفاً به وسیله شهادت شهود قابل اثبات نیست از این رو نظر شعبه چهارم دیوان عالی کشور صحیح و منطبق با ماده مزبور بوده است بدیهی است که غاصبیت ید متصرف به عنوان مالکیت یا سبق تصرف وقف به وسیله شهادت شهود قابل اثبات است این رأی به موجب ماده واحده مصوب ۱۳۲۸/۴/۷ کمیسیون قوانین دادگستری مجلس شورای ملی لازم الاتباع می باشد.

۱- این ماده در تاریخ ۶۱/۱۰/۸ حذف شده است و این رأی بموجب آرای وحدت رویه قبلی که در آنها اثبات وقف با شهادت شهود امکان پذیر است سالبه به انتفاء است.

ادعای تصرف به عنوان مالکیت یا وقفیت

نسبت به املاک واگذاری

آرای سال ۱۳۳۸

رای وحدت رویه شماره ۳۷۴۶ مورخ ۱۳۳۸/۸/۳

با توجه به صریح ماده (۶) قانون راجع به دعاوی اشخاص نسبت به املاک واگذاری که هر کس به هر عنوان (اعم از مالکیت یا وقفیت نسبت به عین املاک واگذاری یا متعلقات و حدود آن یا قنوات و حقا به ادعا یا شکایتی راجع به عملیات و تصرفات با واسطه یا بلاواسطه اعلیحضرت فقید داشته باشد به ترتیب مقرر در قانون مزبور به هیأت های رسیدگی پیش بینی شده در آن قانون شکایت نماید و با در نظر گرفتن تبصره «۲» ماده (۱۵) قانون مذکور به این که مقصود از تصرف به عنوان مالکیت یا وقفیت می باشد محرز است که هیأت های رسیدگی به املاک واگذاری به کیفیت ادعای شاکی که به شرح فوق تصرف به عنوان مالکیت یا وقفیت مورد دعوی می باشد رسیدگی می نماید . چون طرف این دعاوی در هر حال دولت بوده است قهراً موضوع ادعای خالصگی مورد نزاع ملحوظ خواهد بود بناء علیه اعتراض دولت به تقاضای ثبت محکوم له حکم رسیدگی به املاک

ادعای تصرف به عنوان مالکیت یا وقفیت

نسبت به املاک واگذاری

آرای سال ۱۳۸۸

رأی وحدت رویه شماره ۳۷۴۶ مورخ ۱۳۳۸/۸/۳

با توجه به صریح ماده (۶) قانون راجع به دعاوی اشخاص نسبت به املاک واگذاری که هر کس به عنوان (اعم از مالیکت یا وقفیت نسبت به عین املاک واگذاری یا متعلقات و حدود آن یا قنوات و حقا به ادعا یا شکایتی راجع به عملیات و تصرفات با اسطه یا بلاواسطه اعلیحضرت فقید داشته باشد به ترتیب مقرر در قانون مزبور به هیأت های رسیدگی پیش بینی شده در آن قانون شکایت نماید و با در نظر گرفتن تبصره «۲» ماده (۱۵) قانون مذکور به این که مقصود از تصرف به عنوان مالکیت یا وقف می باشد محرز است که هیأت های رسیدگی به املاک واگذاری به کیفیت ادعای شاکی که به شرح فوق تصرف به عنوان مالکیت یا وقفیت مورد دعوی می باشد رسیدگی می نماید و چون طرف این دعاوی در هر حال دولت بوده است قهراً موضوع ادعای خالصگی مورد نزاع ملحوظ خواهد بود بناء علیه اعتراض دولت به تقاضای ثبت محکوم له حکم رسیدگی به املاک واگذاری که در موضوع آن حکم خود به کیفیت مرقوم طرف دعوی بوده می باشد از مصادیق بند «۴» از ماده (۱۹۸) قانون آیین دادرسی مدنی می باشد لذا رأی شعبه پنجم دیوان عالی کشور در این مورد منطبق با موازین قانونی می باشد. این رأی به موجب قانون وحدت رویه قضایی مصوب تیرماه ۱۳۲۸ در موارد مشابه لازم التبع می باشد.

اختلاف در مفهوم عبارت

نسلاً بعد نسل در وقف، تولیت و وصایت

آرای سال ۱۳۴۲

رأی وحدت رویه ۳۵۶۱ مورخ ۱۳۴۲/۱۲/۲۹

آرای صادره از شعب اول و ششم دیوان عالی کشور از یک طرف و شعبه دهم دیوان مزبور از طرف دیگر از حیث اختلاف در مقتضای عبارت نسلاً بعد نسل مندرج در وقفنامه و وصیت نامه های که موضوع از لحاظ قانون مربوط به و حوت رویه در هیأت عمومی دیوان عالی کشور مطرح و چنین ردی داده می شود

مستفاد از صرف عبارت نسلاً بعد نسل در مورد وقف و تولیت و وصایت تربیت است نه تشریک از این قرار که هرگاه یکی از نسل موجود با داشتن فرزند فوت شود فرزند او با باقیمانده نسل در انتفاع از مورد وقف یا در امر تولیت و وصایت نمی تواند شرکت نماید و مادام که چند نفر حتی یک نفر هم از نسل مقدم وجود داشته باشد نبتبه نسل بعد نخواهد رسید و همچنین است در مورد عبارت طبقاً بعد طبقه و بنابراین رأی شعبه اول و ششم موضوعاً صحیح است و این رأی به موجب ماده واحده قانون وحدت رویه مصوب تیر ماه ۱۳۲۸ در نظایر مورد متبع و لازم الاجرا است.

صلاحیت دادگاه مدنی خاص

در رسیدگی به دعاوی راجع به اصل وقفیت

رای وحدت رویه شماره ۲۵

ردیف ۶۱,۱۱ هیئت عمومی

هیئت عمومی محترم دیوان عالی کشور

آقای رئیس دادگاه مدنی خاص شهرستان قوچان اعلام داشته در دعاوی اعتراض بر ثبت آستان قدس رضوی به طرفیت عده ای از اهالی درگز راجع به صلاحیت رسیدگی دادگاه های عمومی و یا مدنی خاص از شعب سوم و ششم دیوان عالی کشور در مورد مشابه آراء متغایری صادر گردیده است و تقاضا نموده موضوع در هیئت عمومی دیوان عالی کشور مطرح که به شرح زیر به ذکر موارد فوق مبادرت می شود:

۱- در پرونده کلاسه ۵۲-۵۹-۱۶ آستان قدس رضوی در سال ۱۳۴۴ درخواستی به طرفیت بانو نازنین طالبیان و وزارت دارایی به خواسته اعتراض بر ثبت به یک سهم از هفت سهم ششدانگ یکقطعه محوطه و یک باب قلعه و یک قطعه باغ و یک قطعه زمین پلاک های ۱ و ۲ و ۳۴ فرعی از ۲۶۷ اصلی حضرت سلیمان مقوم به یکصد هزار ریال به دادگاه بخش درگز تقدیم می نماید. پس از صدور قرار عدم صلاحیت از طرف محکمه صلح مزبور به علت طرح دعوی علیه وزارت دارایی و ارسال پرونده به دادگاه شهرستان قوچان و انجام یک سلسله رسیدگی در اطراف اثبات تصرفات مالکانه بانو نازنین و خالصه بودن املاک مورد ادعا، سرانجام دادگاه عمومی قوچان به شرح دادنامه مورخ ۱۳۶۰/۱۱/۵ به استدلال اینکه رسیدگی به موضوع وقفیت در صلاحیت دادگاه مدنی خاص می باشد قرار عدم صلاحیت خود را صادر می نماید دادگاه مدنی خاص نیز به لحاظ اینکه موقوفه بودن املاک مورد اعتراض به اثبات نرسیده است دادگاه عمومی قوچان را صالح تشخیص می دهد و بر اثر تحقق اختلاف در صلاحیت پرونده در شعبه سوم دیوان عالی کشور مطرح و در آن چنین بیان نظر شده است:

دعوی مطروحه با توجه به دادخواست و مندرجات پرونده خاج از شمول بند ۲ ماده ۳ لایحه قانونی تشکیل دادگاه مدنی خاص بوده و نتیجتاً با تأیید قرار عدم صلاحیت دادگاه مدنی خاص پرونده برای رسیدگی و اتخاذ تصمیم به دادگاه عمومی قوچان فرستاده می شود.

۲- در پرونده کلاسه ۸-۴۰-۴۸ آستان قدس رضوی در سال ۱۳۳۲ عرضحالی علیه آقای نوروزعلی علمی به خواسته اعتراض بر ثبت عرصه یک قطعه زمین مزروعی در کلاته چمگرد درگز مقوم به پنج هزار ریال به دادگاه بخش درگز تقدیم و ضمن آن وراثت صولت قشقائی و وزارت دارایی را نیز به دادرسی جلب می نماید. دادگاه مزبور به لحاظ اینکه دعوی راجع به دولت است به اعتبار شایستگی دادگاه شهرستان قوچان قرار عدم صلاحی می دهد. دادگاه مزبور پس از رسیدگی های لازم و ملاحظه مندرجات پرونده ثبتی به ابطال تقاضای ثبت نوروزعلی علمی حکم می دهد و به علت استرداد ادعا در مورد ورثه قشقائی قرار سقوط دعوی صادر و با توجه به ابطال تقاضای ثبت خوانده اصلی با استدلال اینکه دیگر موجبی برای اقامه دعوی علیه دولت وجود ندارد در این خصوص نیز دادخواست آستان قدس رضوی را رد می نماید.

بر اثر پژوهشخواهی نوروز علی و ارجاع پرونده به شعبه اول دادگاه استان خراسان ، محکمه مزبور به لحاظ اینکه موضوع از مصادیق ماده ۳ قانونی تشکیل دادگاه های مدنی خاص می باشد خود را صالح به رسیدگی نمی داند. دادگاه مدنی خاص نیز با اشاره به اینکه صلاحیت دادگاه مدنی خاص در موارد مسلم الوقیه است نه غیر آن ، شعبه اول دادگاه عمومی مشهد را صالح تشخیص داده و بر اثر وقوع اختلاف پرونده در شعبه ششم دیوان عالی کشور تحت رسیدگی قرار گرفت و در آن چنین رای صادر شده است :

نظر به اینکه به مستنبط از بند ۲ ماده ۳ لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص رسیدگی به دعاوی راجع به اصل وقفیت در صلاحیت دادگاه مدنی خاص می باشد و با ملاحظه دادخواست و خواسته دعوی و توجه به محتویات پرونده بهر تقدیر اصل وقفیت قطعه زمین مورد تقاضای ثبت بی طرفین محل نزاع است ، فلذا با تشخیص صلاحیت دادگاه مدنی خاص در رسیدگی به موضوع مستنداً به ماده ۵ لایحه قانونی مزبور حل اختلاف می گردد پرونده جهت رسیدگی به شعبه دوم دادگاه مدنی خاص مشهد فرستاده می شود . /

با توجه به مراتب اشعاری چون در دو مورد مشابه فوق از طرف شعب سوم و ششم دیوان عالی کشور آراء متفاوتی صادر شده است استناد قانون مربوط به وحدت رویه قضائی مصوب تیرماه ۱۳۲۸ طرح موضوع در هیئت عمومی دیوان عالی کشور تقاضا می شود.

معاون اول دادستان کل کشور

جلسه وحدت رویه

رای شماره ۲۵

به تاریخ روز شنبه ۱۳۶۱/۱۱/۹ جلسه هیئت عمومی دیوان عالی کشور به ریاست حضرت آیت ا... سید ابوالفضل میر محمدی ، قائم مقام ریاست کل دیوان عالی کشور و با حضور حضرت ایت ا... یوسف صانعی دادستان کل کشور و جنابان آقایان روسا و مستشاران شعب کیفری و حقوق دیوان عالی کشور تشکیل گردید :

پس از طرح دعوی موضوع و قرائت گزارش و بررسی اوراق پرنده و استماع عقیده حضرت آیت ا... یوسف صانعی دادستان کل کشور مبنی بر : تأیید رای شعبه ششم دیوان عالی کشور مشاوره نموده و دبین شرح رای داده اند :

رای وحدت رویه به شماره ۲۵

وحدت رویه ردیف : ۱۱,۶۱

رای وحدت رویه هیات عمومی دیوان عالی کشور

بسمه تعالی

چون بنا به مستنبط از بند ۲ ماده ۳ لایحه قانونی مدنی خاص مصوب مهر ماه ۱۳۵۸ دعاوی راجع به اصل وقفیت در صلاحیت دادگاه مدنی خاص است فلذا در مورد بحث که اصل وقفیت قطعه زمین مورد تقاضای ثبت محل نزاع می باشد دادگاه مدنی خاص صالح به رسیدگی است و رای شعبه ششم دیوان عالی کشور صحیح و موافق موازین قانونی

صادره شده است این رای بر طبق قانون مربوط به ود رویه قضایی مصوب تیر ماه ۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و برای دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است .

صلاحیات دادگاه مدنی خاص

در رسیدگی به دعوی وقفیت

رای شماره ۵۰۸

روزنامه شماره ۱۲۶۱۹-۱۳۶۷/۴/۴ شماره ۷۸۸-هـ ۱۳۶۷/۳/۱۷

پرونده وحدت رویه هیات عمومی ردیف: ۹/۶۷

هیات عمومی محترم وحدت رویه دیوان عالی کشور

آقای رییس دادگاه حقوقی استان یک گلپایگان رونوشت آراء صادره از شعب اول و ششم و هجدهم و بیست و یکم دیوان عالی کشور را ارسال نموده و نوشته است از شعب دیوان عالی مشور در مورد صلاحدید محاکم دادگستری و کمیسیون مذکور در ماده ۲ آیین نامه قانون ابطال اسناد فروش رقبات و آب و اراضی موقوفه مصوب ۱۳۶۳ مجلس شورای اسلامی در رسیدگی بیه دعاوی راجع به موقوفاتی که بدون و مجوز شرعی به فروش رسیده یا به صورت به ملکیت در آمده آراء معارض صادر گردیده است خلاصه این پرونده های ذیلاً منعکس می شود:

۱- به دلالت پرونده فرجامی کلاسه ۱۰۳۷/۱/۱۸ شعبه اول دیوان عالی کشور اداره اوقاف گلپایگان بطرفیت آقایان حسین و علی اکبر مرشدی در دادگاه گلپایگان اقامه دعوی نموده و مدعی شده که دو جریب باغ از پلاک ۱۵۲۶ بخش یک گلپایگان بر طبق وقفنامه شرعی مورخ ۲۹ ربیع الثانی ۱۳۴۰ هجری قمری موقوفه است و دو جریب دیگر از ملک واقع در رباط شلاق جزء موقوفه حاج ملا رضا بوده و خوانده ها آنها را به عنوان ملکیت به ثبت داده اند که با توجه به پرونده ثبتی و اقرارنامه مورخ ۱۳۵۵/۱۰/۱۴ و وقف نامه مستند دعوی رسیدگی ابطال ثبت خوانده های تقاضا می شود دادگاه گلپایگان به استناد ماده ۲ فصل دوم آیین نامه قانون ابطال اسناد فروش رقبات آب و اراضی موقوفه رسیدگی را در صلاحیت کمیسیون در ماده مرقوم تشخیص و قرار عدم صلاحیت صادر نموده و پرونده را به استناد ماده ۱۶ قانون اصلاح پاره ای قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶ به دیوان عالی کشور ارسال داشته که به شعبه اول دیوان عالی کشور ارجاع شده و شعبه مزبور چنین رای داده است:

با توجه به قانون ابطال اسناد فروش رقبات آب و اراضی موقوفه مصوب ۱۳۶۳ و مقررات مذکور در شقوق الف و ب ماده ۲ آیین نامه قانون موصوف قرار عدم صلاحیت صادره از دادگاه عمومی حقوقی گلپایگان صحیحاً اصدار یافته و تأیید می گردد.

۱۳۶۵/۲/۱-۳۱/۵۷

به حکایت پرونده فرجامی کلاسه ۱۷۱۶/۶/۴ شعبه ششم دیوان عالی کشور اداره اوقاف اصفهان بطرفیت آقای حاج علی و حاج محمد حسن حمیدی به خواسته صدور حکم بر وقفیت پلاک ثبتی ۱۸ موقوفه معروف به چال سعید و ابطال

ثبت خواننده ها اقامه دعوی نموده و دادگاه گلپایگان به این استدلال که رسیدگی به موضوع بر طبق ماده ۲ فصل دوم آیین نامه قانون ابطال اسناد فروش رقبات ، آب و اراضی موقوفه مصوب ۱۳۶۳ در صلاحیت کمیسیون مقرر در ماده مذکور می باشد قرار عدم صلاحیت صادر نموده و پرونده را به دیوان عالی کشور فرستاده که به شعبه ششم ارجاع و شعبه مزبور چنین رای داده است :

۱۳۶۵/۶/۳۵۷-۱۸

صدور قرار عدم صلاحیت از دادگاه گلپایگان (قائم مقام دادگاه مدنی خاص) به اعتبار شایستگی کمیسیون مقرر در ماده ۲ آیین نامه قانون ابطال اسناد فروش رقبات آب و اراضی موقوفه مصوب ۱۳۶۳ با توجه به مستندات پیوست دادخواست و قانون مزبور خالی از اشکال و ایرا می باشد و تأیید می شود.

۳- به حکایت پروند فرجامی کلاسه ۱۶۶۰/۲۱/۹ شعبه ۲۱ دیوان عالی کشور اداره اوقاف گلپایگان بطرفیت آقای ابراهیم فتحی به خواسته ابطال ثبت پلاک ۱۳۰ و ۱۴۰ قریه دستجرد گلپایگان در دادگاه عمومی حقوقی گلپایگان اقامه دعوی نموده و مدعی شده که پلاک مزبور موقوفه حسینیہ دستجرد بوده و برای عزاداری حضرت خامس آل عبا در اختیار اهالی دستجرد قرار داشته ولی خواننده از موقعیت سوء استفاده نموده و به عنوان ملک آن را به ثبت داده است خواننده ادعای وقفیت این پلاک را تکذیب کرده و بالاخره دادگاه حقوقی یک گلپایگان به استناد ماده ۲ صل دوم آیین نامه قانون ابطال اسناد فروش رقبات ، آب و اراضی موقوفه مصوب ۱۳۶۳ مجلس شورای اسلامی به اعتبار صلاحیت کمیسیون مقرر در ماده مزبور قرار عدم صلاحیت صادر نموده و پرونده را به دیوان عالی کشور ارسال داشته که به شعبه ۲۱ ارجاع شده و رای شعبه ۲۱ دیوان عالی کشور به این شرح رسیده است :

۱۳۶۵/۵/۲۸-۴۵۱

نظر به اینکه برابر ماده ۲ آیین نامه قانون ابطال اسناد فروش رقبات ، آب و اراضی موقوفه که در تاریخ ۱۳۶۳/۶/۷ به تجویز تبصره ۵ ماده واحده قانون یاد شده به تصویب رسیده ابتدایی با دعای تبدیل موقوفه حسینیہ دستجرد پلاک ۱۳،۴۱۱ بخش ۴ گلپایگانی ب ملک بدون مجوز شرعی با کمیسیون مقرر در ماده صدر الشعار است بنابر این با تئید صلاحیت کمیسیون موضوع ماده ۲ آیین نامه مذکور مستنداً به ماده ۱۶ قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶ پرونده از طریق دادگاه حقوقی یک گلپایگان به سازمان مرکزی اوقاف ارسال می گردد.

۴- به دلالت پرونده فرجامی کلاسه ۲۴/۶/۱۸/۲۵ شعبه ۱۸ دیوان عالی کشور اداره اوقاف استان اصفهان بطرفیت آقای ممد علی و حیدر کاوه به خواسته اثبات وقفیت پلاک ثبتی ۱۹ جزء موقوفه معرف و به چال سعید در دادگاه حقوقی اصفهان اقامه دعوی نموده و دادگاه مزبور با صدور قرار عدم صلاحیت پرونده را به دادگاه گلپایگان (قائم مقام دادگاه مدنی خاص) فرستاده و اداره اوقاف مدعی شده که پلاک مزبور موقوفه می باشد ولی خواننده آن را به نام خود ثبت داده است دادگاه گلپایگان رسیدگی را در صلاحیت کمیسیون مقرر در ماده ۲ فصل دوم آیین نامه قانون ابطال اسناد فروش رقبات آب و اراضی موقوفه مصوب ۱۳۶۳ تشخیص و قرار عدم صلاحیت را صادر نموده و پرونده را به دیوان عالی کور فرستاده که به شعبه ۱۸ ارجاع شده و رای شعبه ۱۸ دیوان عالی کشور به این شرح است :



ماده واحده قانون ابطال اسناد و فروش رقبات ، آب و اراضی موقوفه مصوب ۱۳۶۳ و آیین نامه اجرایی آن ناظر بر املاکی است که وقفیت آن قبل از فروش و به ملکیت درآمد آن بدون مجوز محرز باشد و وظیفه کمیسیون ماده ۲ آیین نامه اجرایی قانون فوق تنها در تشخیص این مساله است که فروش یا تبدیل موقوفات به ملکیت با مجوز شرعی انجام پذیرفته یا بدون مجوز شرعی بنا به مراتب فوق چون در ما نحن فیه اصل وقفیت پلاک ۱۹ اصلی بخش یک گلپایگان که به عنوان ملک ثبت شده مورد دعوی و اختلاف است موضوع خارج از صلاحیت کمیسیون ماده ۲ آیین نامه اجرایی مورد استناد دادگاه حقوقی یک گلپایگان (قائم مقام دادگاه مدنی خاص) می باشد لذا ضمن فسخ قرارعدم صلاحیت صادره مقرر می دارد پرونده برای ادامه رسیدگی به مرجع صادر کننده قرار اعاده گردد.

نظریه : از مجموع مندرجات پرونده های چهار شعبه دیوان عالی کشور که خلاصه آنها ذکر شده معلوم است که ادارات اوقاف در تمام این پرونده ها بر علیه کسانی که رقباتی را به عنان ملک به ثبت رسانده اند دعوی وقفیت اقامه کرده اند و دعاوی و اختلافات مزبور راجع ه وقفیت و ملکیت است.

شعبه اول و ششم و ۲۱ دیوان عالی کشور دعوی مزبور را مشمول قانون ابطال اسناد فروش رقبات ، آب و اراضی موقوفه مصوب ۱۳۳۳ تشخیص و رسیدگی آن ها را در صلاحیت کمیسیون مقرر در ماده ۲ فصل دوم آیین نامه مصوب ۶۳/۹/۷ هیأت وزیران داشته و قرار عدم صلاحیت صادر از دادگاه های ابرام نموده اند در صورتی که شعبه ۱۸ دیوان عالی کشور رسیدگی به دعوی وقفیت و ملکیت را در صلاحیت محاکم دادگستری (دادگاه مدنی خاص) تشخیص داده و از شمول قانون مصوب ۱۳۶۳ خارج دانسته و استدلال کرده است که صلاحیت کمیسیون ماده ۲ فصل دوم آیین نامه فوق الذکر منحصر به موردی است که در اصل وقفیت اختلاف نبوده و موضوع مشروع بودن فروش رقبات ، آب و اراضی موقوفه مطرح باشد.

بنا به مراتب مزبور بین اراء شعب اول و ششم و ۲۱ دیوان عالی کشور با رای شعبه ۱۸ دیوان عالی کشور در استنباط از قانون تعارض وجود دارد و از این لحاظ موضوع در هیأت عمومی وحدت رویه دیوان عالی کشور برای ایجاد رویه واحد تقاضا می شود.

معاون اول قضایی ریاست دیوان عالی کشور- فتح ا... داوری

جلسه وحدت رویه

به تاریخ روز چهارشنبه ۱۳۶۷/۳/۴ جلسه هیات عمومی دیوان عالی کشور به ریاست حضرت آیت ا. سید عبدالکریم موسوی اردبیلی رییس دیوان عالی کشور و با حضور آقای مهدی ادیب رضوی نماینده محترم دادستان کل کشور و جنابان آقایان روسا و مستشاران شعب کیفری و حقوقی دیوان عالی کشور تشکیل گردد. پس از طرح موضوع و قرائت گزارش و بررسی اوراق پرونده و استماع عقیده جناب آقای مهدی ادیب رضوی نماینده دادستان کل کشور مبنی بر: از لفظ موقوفات مذکور در ماده ۲ آیین نامه قانون ابطال اسناد فروش رقبات ، آب و اراضی موقوفه مصوب ۶۳/۹/۷ هیات وزیران چنین استفاده می شود که منظور قانونگذار رقباتی است که وقفیت آنها محرز است و نه رقبات محل اختلاف

مؤید این نظر تکلیفی است که قانون‌گذار به عهده متولیان قرار داده است بدیهی است ذکر متولی زمانی موجه است که وقفیت رقبه ای روشن باشد و نه رقبه ای که محل نزاع می باشد و اما این قول با توجه به مندرجات بندهای الف و ب ماده ۲ آیین نامه به شدت تقویت می شود زیرا به موجب این دو بند به این نکته که کمیسیون در باب وقفیت یا عدم وقفیت اظهار نظر کند حتی اشاره ای به عمل نیامده بلکه برعکس با مفروض دانستن اصل وقفیت تنها در خصوص شرعی بودن یا نبودن فروش و تملک آن به کمیسیون اختیار اظهار نظر داده است لذا رای شعبه ۱۸ دیوان عالی کشور که رسیدگی به دعوی وقفیت و ملیکت را در صلاحیت دادگاه مدنی خاص تشخیص و از شمول ماده ۲ آیین نامه فوق الذکر خارج دانسته موجه و مدلل بوده و مورد تأیید است. مشاوره نموده و اکثریت قریب به اتفاق بدین شرح رای داده اند:

رای شماره ۵۰۸ - ۱۳۶۷/۳/۴

رای وحدت رویه هیات عمومی دیوان عالی کشور

قانون ابطال اسناد فروش رقبات ، آب و اراضی موقوفه مصوب ۱۳۶۳ و آیین نامه اجرایی آن ناظر به استناد فروش موقوفات و تبدیل آنها به ملک است. صلاحیت کمیسیون ماده ۲ فصل دوم آیین نامه موصوف هم تشخیص مشروع یا نامشروع بودن فروش مزبور می باشد که مستلزم عدم وجود اختلاف در اصل وقفیت است اما اگر در مورد رقبه ای که به عنوان ملک ثبت شده و سابقه فروش وقفی نداشته ادعای وقفیت گردد موضوع از شمول قانون مزبور و صلاحیت کمیسیون ماده ۲ فصل دوم آیین نامه موصوف خارج و رسیدگی به دعوی وقفیت بند ۲ ماده ۳ لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص مصوب ۱۳۵۸ شورای انقلاب در صلاحیت دادگاه مدنی خاص خواهد بود بنابراین رای شعبه هجدهم دیوان عالی کشور که بر این اساس صادر گردیده صحیح تشخیص می شود، این رای بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه در موارد مشابه لازم الاتباع است.

صلاحیت دادگاه مدنی خاص در دعوی مربوط به شرایط و اوصاف و تعیین مولی موقوفه

رای وحدت رویه شماره ۵۵۲ هیات عمومی دیوان عالی کشور

روزنامه رسمی شماره ۱۳۴۷۵-۱۳۷۰/۳/۲۶ شماره ۱۳۶۲ هـ-۱۳۷۰/۲/۲۳

پرونده حدت رویه ردیف ۱۳۱/۶۷ عمومی

ریاست معظم دیوان عالی کشور

احتراماً به استحضار می رساند آقای سرپرست اداره حج و اوقاف و امور خیریه کازرون طی شماره ۶۷/۴/۲۶-۲۶۵۵ شرحی به انضمام دو فقره آراء شماره ۱۳/۱۹۳ از شعبه سیزدهم و ۱۹/۳۱۳ صادره از شعبه نوزدهم دیوان عالی کور ارسال و اعلام داشته شعبه ۱۳ تشخیص تولیت را طبق ماده ۱۴ قانون اوقاف در صلاحیت اداره اوقاف فارس دانسته ولی شعبه ۱۹ تشخیص تولیت منوص را در صلاحیت دادگاه مدنی خاص تشخیص داده و آراء مذکور با ید دیگر متعارض می باشد و اینک خلاصه جریان پرونده های مذکور معروض می گردد.

۱- طبق محتویات پرونده شماره ۹۷-۶۴ مدنی دادگاه حقوقی یک کازرون آقای لطف ... بستانیان کازرونی دادخواستی بطرفیت اوقاف شهرستان کازرون به خواسته صدور حکم تولیت موقوفه مرحوم مرتضی کازرونی به دادگاه مذکور تقدیم و تقاضای صدور حکم تولیت به موقوفه را به نام خود نموده است و توضیح داده طبق وقف نامه پدر اینجانب املاکی را وقف نموده و تولت آن را با رشد اولاد ذکور قرار داده و برادران اینجانب فوت کرده اند و در حال حاضر حق تولیت با اینجانب است و صالح به اداره موقوفه هست و تقاضای صدور حکم تولیت بنام خود دارم و دادگاه پس از تعیین وقت رسیدگی طبق دادنامه ۴۶-۶۶/۱/۱۸ به لحاظ اینکه رسیدگی به صلاحیت متولی و صدور حکم در صلاحیت اداره تحقیق اوقاف می باشد قرار عدم صلاحیت صادر و پرونده را در اجرای ماده ۱۶ قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری به دیوان عالی کشور ارسال داشته است و شعبه سیزدهم طبق دادنامه شماره ۱۳/۱۹۳ چنین رای داده است.

رای - نظر به اینه خواسته خواها صدور حکم تولیت میباشد که حسب استدلال موجه دادگاه حقوقی یک کازرون در صلاحیت اداره تحقیق اوقاف استان فارس می باشد بنا به مراتب قرار صادره بلا اشکال تشخیص و استوار می گردد مقرر است پرونده اعاد شود .

۲- طبق محتویات پرونده کلاسه ۲۷۷/۶۵ مدنی دادگاه حقوقی کازرون آقای غلامعلی علی نژاد دادخواستی بطرفیت اداره اوقاف کازرون به خواسته صدور حکم تولیت به دادگاه مذکور تقدیم و توضیح داده اینجانب اولاد ذکور و ارشد خانواده پدرم که متولی موقوفه شهید حمزه بوده می باشم و پردم فوت کرده و امر تولیت طبق وقفنامه به اینجانب که ارشد خانواده پدرم هستم می رسد و دادگاه با تعیین وقت رسیدگی طبق دادنامه ۳۱۹-۶۶/۳/۲۴ قرار عدم صلاحیت خود را به اعتبار صلاحیت اداره تحقیق اوقاف صادر نموده و پرونده را در اجرای ماده ۱۶ قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری به دیوان عالی کشور ارسال داشته است و شعبه نوزدهم طبق دادنامه شماره ۱۹/۳۱۳ - ۱۳۶۶/۵/۲۵ چنین رای داده است.

رای - با توجه به محتویات پرونده و تولیت منصوص متقاضی رسیدگی به موضوع را در صلاحیت دادگاه حقوقی قائم مقام مدنی خاص دانسته و مستنداً به ماده ۱۶ قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری با اعلام صلاحیت دادگاه حقوقی کازرون قائم مقام مدنی خاص تعیین صلاحیت می نماید.

نظریه - همانطور که ملاحظه می فرمایید دو فقره آراء صادره از شعب سیزدهم و نوزدهم دیوان عالی کشور با هم متناقض می باشند بدین نحو که شعبه ۱۳ رسیدگی و صدور حکم تولیت را در صلاحیت اداره تحقیق اوقاف دانسته وی شعبه نوزدهم دادگاه حقوقی یک قائم مقام مدنی خاص را صالح به رسیدگی تشخیص داده است بنا به مراتب به استناد قانون وحدت رویه مصوب تیرماه ۱۳۲۸ تقاضای طرح موضوع را در هیات عمومی دیوان عالی کشور جه اخاذ رویه واحد می نماید.

معاون اول دادستان کشور - حسن فاخری

جلسه وحدت رویه

به تاریخ روز سه شنبه ۱۳۷۰/۲/۳ جلسه عیا عمومی دیوان عالی کشور به ریاست حضرت آیت ا... مرتضی مقتدایی رییس دیوان عالی کشور و باحضور جناب آریالای مهدی ادیب رضوی نماینده دادستان کل کشور و جنابان آقایان روسا و مستشاران شعب حقوقی و کیفری دیوان عالی کشور تشکیل گردید.

پس از طرح موضوع و قرائت گزارش و بررسی اوراق پرونده و استماع عقیده جناب آقای مهدی ادیب رضوی نماینده دادستان کل کشور مبنی بر: نظر به اینکه صلاحیت شعب تحقیق اوقاف در تشخیص متولی ناظر به مواردی است که دعوی تولید مطرح نباشد و با توجه به بند ماده ۳ لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص مصوب سال ۱۳۵۸ که رسیدگی به دعاوی تولد را در صلاحیت دادگاه مدنی خاص قرار داده رای شعبه ۱۹ دیوان عالی کشور مورد تایید است. مشاوره نموده و اکثریت بدین شرح رای داده اند.

رای شماره: ۱۳۷۰/۲/۳-۵۵۲

رای وحدت رویه هیات عمومی دیوان عالی کشور

در موقوفاتی که واقف شرایط و اوصاف خاصی برای متولی قرار داده باشد رسیدگی به دعوی راجع به شرایط و اوصاف مزبور و تعیین متولی بر طبق بند ماده ۳ لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص مصوب ۱۳۵۸ شورای انقلاب در صلاحیت دادگاه مدنی خاص می باشد و ماده ۱۴ قانون تشکیل سازمان حج اوقاف و امور خیریه مصوب دیماه ۱۳۶۳ صلاحیت دادگاه مدنی خاص را نفی نمی کند بنا بر این رای شعبه نوزدهم دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد صحیح تشخیص می شود. این رای داده است. طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و برای دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

آراء صادره از اداره تحقیق اوقاف و امور خیریه

کرمانشاه و صلاحیت رسیدگی به دعوا

رای وحدت رویه ۶۱۳

نقل از شماره ۱۵۲۳۳-۱۳۷۶/۳/۳۱ روزنامه رسمی شماره ۱۸۹۸-۱۳۷۶/۳/۳

پرونده وحدت رویه ردیف ۲۰/۷۵ هیات عمومی

حضرت آیت ا... محمد گیلانی ریاست محترم دیوان عالی کشور

با عرض سلام و تحیت احتراماً: آقای رییس شعبه دوم محاکم عمومی توپسرکان طی شرحی به پیوست تصویر آراء صادره از شعبه ۱۹ و ۳۰ دیوان عالی کشور اعلام داشته در مورد اعتراض به آراء صادره از اداره تحقیق اوقاف و امور خیریه کرمانشاه و در خصوص صلاحیت رسیدگی به دعوی مذکور از طرف شعب دیوان عالی کشور آراء متفاوت صادر گردیده است بدین جهت تقاضای طرح موضوع در هیات عمومی دیوان عالی کشور به منظور ایجاد رویه واحد شده است بنا بمراتب بشرح آتی با ملاحظه پرونده های مربوطه جریان موارد مذکور معروض می شود.

۱- طبق محتویات پرونده کلاسه ۸۲۷/۷۴ مدنی شعب ششم دادگاه عمومی کرمانشاه آقای علی مومنی دادخواستی بطرفیت اداره اوقاف استان کرمانشاه بخواسته اعتراض و تقاضای حل اختلاف نسبت به رای شماره ۱۲۳ - ۱۳۷۳/۵/۹ صادره از اداره تحقیق اوقاف کرمانشاه در پرونده ۷۳/۴۱۱ در خصوص موقوفه حاجی حسنعلی بیگ به دادگاه عمومی کرمانشاه تقدیم و خواستار صدور حکم به نفع خود گردیده است و شعبه مذکور بشرح قرار شماره ۱۲۳۱-۷۳/۷/۲۷ مستنداً به ماده ۲۳ قانون آیین دادرسی مدنی و اینکه رقبات موقوفه در شهرستان تویسرکان واقع شده قرار عدم صلاحیت خود را به ابعاد صلاحیت دادگاه عمومی تویسرکان صادر و پرونده را به مرجع مذکور ارسال داشته که به شعبه دوم ارجاع و این دادگاه نیز به موجب قرار شماره ۷۳/۴۴۲ و با این استدلال که چون موضوع دادخواست اعتراض بنظریه واحد تحقیق سازمان اوقاف کرمانشاه بوده نه دعوی در خصوص مال غیر منقول موضوع از مصادیق ماده ۲۳ قانون آیین دادرسی مدنی نیست رسیدگی به اعتراض را در صلاحیت دادگاه عمومی کرمانشاه دانسته است که با تحقق اختلاف پرونده جهت حل اختلاف بدیوان عالی کشور ارسال و به شعبه ۱۹ ارجاع و شعبه مذکور به موجب دادنامه شماره ۷۴/۲/۱۹-۲۵/۷۴/۵۵ چنین رای داده است .

بسمه تعالی :

با توجه به محتویات پرونده و خواسته که حق ارتزاق گرفتن خواهان در عداد موقوف علیهم است قرار ۴۴۲- ۷۲ صادره از ناحیه دادگاه تویسرکان تایید و بااعلام صلاحیت دادگاه عمومی کرمانشاه حل اختلاف می شود.

۲- طبق محتویات پرونده ۷۴/۲۷۸ شعبه دوم دادگاه عمومی تویسرکان آقای متولی موقوفه مرحوم حسنعلی بیگ با تعیین و کیل دادخواستی بطرفیت بانو مومنی به خواسته اعتراض به نظریه ۱۹ - ۷۲/۶/۱۱ صادره از اداره تحقیق اوقاف و امور خیریه استان کرمانشاه تقدیم دادگاه عمومی کرمانشاه نموده و تقاضای صدور حکم بر ابطال نظریه فوق را نموده است و بالاخره دادگاه مذکور مستنداً به ماده ۲۳ قانون آیین دادرسی مدنی قرار عدم صلاحیت خود را به اعتبار صلاحیت دادگاه مدنی خاص شهرستان تویسرکان صادر و پرونده را به مرجع مذکور ارسال دادگاه عمومی تویسرکان نیز به موجب قرار شماره ۱۷۴-۷۳/۱۰/۱۲ با این استدلال که دعوی مطروحه مربوط به عین موقوفه و حقوق مربوط به آن نبوده و رسیدگی بنظریه های هیات تحقیق اوقاف و امور خیریه کرمانشاه در صلاحیت محاکم عمومی همان شهرستان می باشد قرار عدم صلاحیت خود را با اعتبار صلاحیت رسیدگی محاکم عمومی کرمانشاه صادر و با تحقق اختلاف پرونده بدیوانعالی کشور جهت حل اختلاف ارسال گردیده است و شعبه ۳۰ دیوان کشور نیز بموجب دادنامه شماره ۳۰/۱۰۰۲-۱۳/۱۲/۱۳۷۳ چنین رای داده است . قطع نظر از صلاحیت اداره تحقیق اوقاف کرمانشاه در رسیدگی به موضوع اصولاً چون دعوی مربوط به موقوفه است که در حوزه قضائی شهرستان تویسرکان قرار دادر علیهذا با تایید نظریه دادگاه عمومی کرمانشاه ادامه رسیدگی بدادگاه مدنی خاص تویسرکان محول می شود بدینوسیله حل اختلاف می گردد . بنا به مراتب بشرح ذیل اظهار نظری می شود : نظریه : همانطور که ملاحظه می فرمایید در مورد صلاحیت دادگاه رسیدگی کننده بدعوی اعتراض به نظریه صادره از اداره تحقیق اوقاف استان کرمانشاه از طرف شعب دیوانعالی کشور و در استنباط از ماده ۲۳ قانون آیین دادرسی مدنی آراء متفاهتی صادر گردیده بدین توضیح که شعبه ۳۰ دیوانعالی کشور با توجه به اینکه دعوی مربوط به موقوفه است که در تویسرکان واقع شده است مستنداً به ماده ۲۳ قانون

آیین دادرسی مدنی دادگاه عمومی تویسرکان را صالح به رسیدگی دانسته در حالی که شعبه ۱۹ دیوان مزبور بر عکس و با این استدلال ه چون موضوع دعوی قرار گرفتن خواهان در عداد موقوف علیهم است نه در خصوص مال غیر منقول و در واقع اقامه دعوی علیه اداره اوقاف نیز می باشد موضوع را از مصادیق ماده ۲۳ قانون آیین دادرسی استدلال که چون موضوع دادخواست اعتراض بنظریه واحد تحقیق سازمان اوقاف کرمانشاه بوده نه دعوی در خصوص مال غیر مدتی خارج و دادگاه عمومی کرمانشاه را صالح بر رسیدگی تشخیص داده اند بنا به مراتب فوق تقاضا دارد متسنداً به ماده واحده مربوط به وحدت رویه قضایی مصوب تیرماه ۱۳۲۸ مورع را در هیات عمومی محترم دیوانعالی کشور جهت اتخاذ رویه مطرح فرمایند.

معاون اول دادستان کل کشور - حسن فاخری

جلسه وحدت رویه

بتاریخ روز سه شنبه ۱۳۷۵/۱۰/۱۸ جلسه هیات عمومی دیوانعالی کشور به ریاست حضرت آیت ... محمد محمدی گلانی رییس دیوانعالی کشور و با حضور جناب آقای مهدی ادیب رضوی نماینده دادستان کل کشور و جنابان آقایان روسا و مستشاران شعب کیفری و حقوقی دیوان عالی کشور تشکیل گردید.

پس از طرح موضوع و قرادت گزارش و بررسی اوقاف پرونده و استماع عقیده جناب آقای مهدی ادیب رضوی نماینده دادستان محترم کل کشور مبنی بر برابر سوابق امر در پرونده های مطروحه به نظریه اداره تحقیق اوقاف کرمانشاه اعتراض شده است ولی چون ملک موقوفه در حوزه قضایی شهرستان تویسرکان قرار دارد و ماده ۲۳ قانن آیین دادرسی مدنی تصریح دارد دعای راجع به اموال غیر منقول و سایر حقوق راجعه به آن بایستی در دادگاهی اقامه شد که مال غیر منقول در حوزه آن واقع شده است و دعاوی مطروحه نیز در رابطه با حقوق مربوط به ملک مورد وقف می باشد. علیهذا دادگاه تویسرکان صالح به رسیدگی بوده و رای شعبه سم ام دیوان عالی کشور موجه به نظر می رسد و معتقد به تایید آن می باشم. مشاوره نموده و اکثریت بدین شرح رای داده اند .

رای شماره ۶۱۲-۱۳۷۵/۱۰/۱۸

رای وحدت رویه هیات عمومی دیوان عالی کشور

بموجب ماده ۱۶ آیین نامه قانونی کیفیت تحقیق در شعب تحقیق سازمان حج و اوقاف مصوب ۶۵/۹/۳۰ ادارات حج و اوقاف و امور خیریه و همچنین اشخاص ذینفع که آراء هیات تحقیق را بضرر خود تشخیص می دهند می توانند در دادگاه های دادگستری اقامه دعوی نمایند و چنین دعواتی که بطرفیت متولی موقوفه و یا ادارت اوقاف و یا اشخاص ، طرح می گردد تابع قواعد عمومی راجع به دعاوی حقوقی است و ملازمه با محل استقرار شعب تحقیق صادر کننده رای ندارد و چون موقوفات مربوط به دعاوی مطروحه در حوزه قضایی تویسرکان واقع اند رسیدگی به آن در صلاحیت محاکم همان محل است لذا رای شعبه سی ام دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد بنظر اکثریت اعضاء هیات

عمومی دیوان عالی کشور صحیح تشخیص و مورد تایید می باشد این رای باستناد ماده واحده قانون مربوط به وحدت رویه قضایی مصوب تیرماه ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.